

معیارهای
کشف اهداف حاکم
بر سور قرآنی
دکتر ایرج گلجانی امیرخیز
عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
(از ص ۱۲۹ تا ۱۶۰)

چکیده:

از آنجا که موضوعات متنوع و فراوانی در اغلب سور قرآنی مطرح می‌شوند که گاه در نگاه نخستین پراکنده و بی‌ارتباط و گسسته می‌نمایند، چه اگر هر سوره حاوی پیام و محوری مشخص نباشد و موضوعات آن بر حول غرض و مقصدی نهائی استقرار نیابند، در چنین وضعیتی دسته‌بندی مجموعه‌ای از آیات در هر سوره به صورت تلفیقی چه دلیل قاطع و صریحی خواهد یافت؟ لذا کشف وحدت در کثرتی این چنین، اقدام بایسته‌ای است تا از رهگذر آن، مخاطب قرآن، در هر سوره با یک مجموعه منسجم، منظم و هدفدار مواجه شود. در نوشتار حاضر از طریق ارائه معیارهای کشف اهداف حاکم بر سور قرآنی در صدد آن هستیم تا از هر سوره، سیمایی منتظم و هماهنگ به دست آید.

واژه‌های کلیدی: هدف سوره، ارتباط آیات، موضوعات سوره، محتوای تفصیلی سوره (نگرش مجموعه‌ای)، معیارهای کشف اهداف حاکم بر سور قرآنی.

تعریف موجز بالرسالة

اننا نجد موضوعات كثيرة و متنوعة تعرض في غالبية السور القرآنية و تبدو في الوهلة الاولى مشتتة لارتباط بينها، و إن لم تكن كل سورة تحتوى على خطاب محدد و رسالة معينة و لم يكن لموضوعاتها غرض معين و هدف محدد اذن كيف نبرر الاصرار على ترتيب كل مجموعة من الآيات داخل سورة معينة و كيف نبرهن على ضرورة هذا الترتيب؟ فبات من الضروري اثبات وجود وحدة موضوعية بين هذه الكثرة، لنضع قارئ القرآن امام مجموعة منسجمة متناسقة من الآيات تستوحي هدفا واحدا مشتركا.

نتوحي من خلال هذه الرسالة ان نبين الانسجام و التناسق الموجود في كل سورة عن طريق تقديم معايير كشف الاهداف السائدة في السور القرآنية. و هذه المعايير هي:

- ۱- حذف الاستطرادات
 - ۲- تحليل ظروف نزول السور
 - ۳- النظر الى افتتاحيات السور
 - ۴- التكرار المتواصل و المتناوب لمفهوم و موضوع خاص في السورة
 - ۵- بداية السورة و خاتمتها
 - ۶- نسبة تكرار الكلمات في السورة
- الكلمات الاساسية: غرض السورة، ارتباط الآيات، موضوعات السورة، المحتوى التفصيلي للسور، معايير كشف الاهداف السائدة في السور القرآنية.

مقدمه:

قرآن كتابی است الهی با ویژگیهای خاص خود در تألیف، عرضه مطالب و چینش آیات.

آیات قرآنی در سوره‌ها در نگاه آغازین پراکنده می‌نماید؛ یعنی چنان تصور می‌شود که سوره‌ها از وحدتی موضوعی برخوردار نیستند و نوعی پراکندگی در عرضه مطالب بر آیات حاکم است. هدف این مقاله، ارائه معیارهایی است که از رهگذر به کارگیری آنها، سیمائی هماهنگ از سوره‌های قرآنی به دست آید. متأسفانه همت اکثر مفسرین، مصروف به تفسیر جزئی آیه به آیه، و فروگذاردن نگرش مجموعه‌ای به اندام سوره‌ها بوده است و تا به حال تحقیق جامع و مستقلی، به صورت نظری درباره معیارهای مورد نظر انجام نگرفته است.

در تفاسیر و آیات قرآنی معدودی همچون: تفسیر الاساس (از سعید حوی)، تفسیر فی ظلال القرآن (از سید قطب)، تفسیر المیزان (از علامه طباطبائی) و تفسیر مجمع البیان (ابوعلی طبرسی) و الوحدة الموضوعية فی القرآن الکریم (از محمد محمود حجازی) تلاشهایی در این جهت انجام گرفته است.

همچنین از بعد اعجاز شناسانه نیز می‌توان تألیف شگفت‌انگیز آیات در درون سوره‌ها را در جهت ایجاد شخصیت سوره‌ها، مورد تحقیق قرار داد؛ مشروط به آنکه با کشف ویژگیهای منحصر به فرد ارتباط آیات و شاکله هدفمند سور قرآنی، فرادستی این بعد را از توان بشری اثبات نمود.

سخن فخر رازی از متقدمین در این باره خواندنی است:

* و من تأمل فی لطائف هذه السورة (البقره) و فی بدائع ترتیبها علم ان القرآن کما انه معجز بحسب فصاحة الفاظه و شرف معانیه فهو ایضا معجز بحسب ترتیبه و نظم آیاته و لعل الذین قالوا: انه معجز بحسب اسلوبه، ارادوا ذلک. * (محمد رازی فخر

الدین، تفسیر الفخر الرازی، مشهور به تفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، ج ۴ ص ۱۳۹)

و همچنین دکتر حجازی از قرآن پژوهان متأخر فهم غرض عام در هر سوره را امری دشوار و نیازمند تهذیب نفس و حب به قرآن کریم می‌داند:

"کل سورة لها حدود و رسوم و اهداف و اغراض تدور حولها فتعرض ل تحقیق

ذلك الى عدة معان و تأخذ من كل معنى ما يتناسب مع هدفها..... واقتضت حكمته سبحانه و تعالى ان تكون اغلب السور قد جمعت بين آيات مختلفة النزول زمانا و مكانا، و لكن لا مرما و سر دقيق جمعت في سورة واحدة تهدف الى غرض واحد له في الغالب مقدمات و نتائج. و هذا الموضوع دقيق المأخذ صعب المسلك لا يناله الا من اشرب قلبه حب القرآن، و نأى بنفسه عن كل ما يخالفه. " (محمد محمود حجازي، الرعدة المرضعية في القرآن الكريم؛ ص ۴۰)

روش انجام تحقیق

روش انجام تحقیق: توصیفی تحلیلی با تکیه بر روش تحلیل محتوا می باشد. بدین صورت که در ابتدا شواهد و داده‌ها جمع آوری شده و سپس به تحلیل منطقی آنها پرداخته می شود.

نخستین معیار در شناخت اهداف حاکم بر سور قرآنی

۱- حذف استطرادها در جهت ترسیم پیام اصلی سوره‌ها

در ابتدا باید پرسید چه ویژگی خاص در تألیف سور قرآنی وجود دارد که سبب عرضه متنوع موضوعات و در عین حال هماهنگی آیات سور قرآنی شده است؟ در پاسخ باید گفت که شیوه حاکم بر عرضه موضوعات و آیات در سور قرآنی، قاعده استطراد است. استطراد آن است که گوینده به خاطر وجود مناسبتی در سخن، به آرامی از موضوع اصلی، کلام را انتقال داده و پس از تشریح و تبیین آن، پس از مدتی به موضوع اصلی سخن بازگردد و این شیوه را با حفظ تنوع و طراوت ارائه مطلب، بدون آنکه به پریشان گوئی گرفتار شود، ادامه دهد. فهم پیام اصلی گوینده، مرهون کشف استطرادها و جداسازی اجمالی آنها از هدف اصلی می باشد؛ هدفی که گاه و بیگاه در پس استطرادها رخ پنهان می نماید و پس از زمانی کم و یا

زیاد پرده از رخسار بیرون می‌کشد. (برای مطالعه بیشتر: جلال الدین عبدالرحمن سیوطی - الاتقان فی علوم القرآن، مترجم سید مهدی حائری فروینی، ج ۱، ص ۳۴۶ و بدر الدین محمد بن عبدالله زرکشی، البرهان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۴۸)

برای آغاز به کار بدیهی است که باید از طلیعه و آغاز هر سوره به جستجو پرداخت؛ زیرا که گوینده، سخن خود را به ناچار از آنجا شروع نموده و در ادامه به بسط و تفصیل سخن می‌پردازد. منتهی باید توجه داشت که سر نخ اصلی سخن را از کدام قسمت طلیعه هر سوره انتخاب نمود. زیرا ممکن است آیه یا آیاتی در ابتدای هر سوره جنبه مقدمه چینی برای آغاز سخن باشند. برای مثال، آیه نخست سوره هود چنین حالتی برای آغاز سخن دارد: * الر کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر * که در ادامه سخن اصلی سوره آغاز می‌شود: * الاتعبدوا الا الله انی لکم منه نذیر و بشیر * و ان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه.....*

یا دو آیه آغازین سوره یوسف نیز جنبه مقدمه چینی را برای آغاز سخن دارند: * الر تلک آیات الکتاب المبین * انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون * و در ادامه سخن اصلی آغاز می‌شود: * نحن نقص علیک احسن القصص بما اوحینا الیک هذا القرآن و ان کنت من قبله لمن الغافلین.

و چون سوره طولانی دارای استطرادهای بسیار متنوع و پرفراز و فرود می‌باشند، تعقیب خط اصلی سخن بسیار دشوار می‌شود؛ مگر آنکه اجمالا استطرادها را از متن اصلی سوره تفکیک نمائیم. بر این اساس، برای ارائه نمونه، سوره بقره را انتخاب نموده و تا انتهای آن، استطرادها را از سخن اصلی تفکیک می‌نمائیم. آن هنگام مجموعه‌ای از آیات مرتبط درباره پیام اصلی در سوره را مشاهده خواهیم نمود. آغاز سخن در سوره بقره آیه دوم آن است و طلیعه سوره بر اساس دو نکته مهم بنا گذاشته می‌شود: ۱- کتاب ۲- هدایت و از آیه سوم، استطراد به مناسبت وصف متقین آغاز شده و در آیات بعد با وصف کفار و منافقین این استطراد تداوم

می‌یابد. اینک به متن اصلی سخن در سوره بقره، بدون در نظر گرفتن استطرادها توجه نمائید:

پیام اصلی سوره بقره

بسم الله الرحمن الرحيم

ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین (۲) * و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائکم من دون اللّٰه ان کنتم صادقین (۲۳) *
 فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار الّتی وقودها الناس و الحجارة اعدت للكافرين
 (۲۴) * و آمنوا (خطاب به بنی اسرائیل) بما انزلت مصداقا لما معکم و لا تكونوا اول کافربه و لا تشتروا بآیاتی ثمنا قليلا و ایای فاتقون (۴۱) * اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الكتاب افلا تعقلون (۴۴) * افتطمعون ان يؤمنوا لکم و قد کان فریق منهم یسمعون کلام اللّٰه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون (۷۵) * و منهم امیون لا یعلمون الكتاب الا امانی و ان هم الا یظنون (۷۸) * فویل للذین یکتبون الكتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عند اللّٰه لیشتروا به ثمنا قليلا فویل لهم مما کتبت ایدیهم و ویل لهم مما یکسبون (۷۹) * و لقد اتینا موسی الكتاب و قفینا من بعده بالرسل و اتینا عیسی بن مریم البینات و ایدناه بروح القدس افکلما جاءکم رسول بما لا تهوی انفسکم استکبرتم ففریقا کذبتم و فریقا تقتلون (۸۷) * و قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّٰه بکفرهم فقلیلا ما یؤمنون (۸۸) * و لما جاءهم کتاب من عند اللّٰه مصدق لما معهم و کانوا من قبل یتفتحون علی الذین کفروا فلما جاءهم ما عرفوا به فلعنة اللّٰه علی الکافرين (۸۹) * بثسما اشتروا به انفسهم ان یکفروا بما انزل اللّٰه بغیا ان ینزل اللّٰه من فضله علی من یشاء من عباده فبأؤ بغضب علی غضب و للکافرين عذاب مهین (۹۰) * و اذا قیل لهم آمنوا بما انزل اللّٰه قالوا نؤمن بما انزل علینا و یکفرون بماوراءه و هو الحق مصدقا لما معهم قل فلم تقتلون انبیاء اللّٰه من قبل ان

کنتم مؤمنین (۹۱)* قل من كان عدوا لجبریل فانه نزله علی قلبک باذن اللّٰه مصدقا
لما بین یدیه وهدی و بشری للمؤمنین (۹۷)* و لقد انزلنا الیک آیات بینات و ما
یکفر بها الا الفاسقون (۹۹)* و لما جاءهم رسول من عند اللّٰه مصدق لما معهم نبذ
فريق من الذین اوتوا الكتاب کتاب اللّٰه وراء ظهور کانهم لا یعلمون (۱۰۱)* ما ننسخ
من ایه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها لم تعلم ان اللّٰه علی کل شیء قدير (۱۰۶)*
و قالت اليهود لیست النصارى علی شیء و قالت النصارى لیست اليهود علی شیء
و هم یتلون الكتاب کذلک قال الذین لا یعلمون مثل قولهم فاللّٰه یحکم بینهم یوم
القیامه فیما کانوا فیہ یختلفون (۱۱۳)* و قال الذین لا یعلمون لو لا یکلمنا اللّٰه کذلک
قال الذین من قبلهم مثل قولهم تشابهت قلوبهم قد بینا الایات لقوم یوقنون (۱۱۸)*
الذین اتیناهم الكتاب یتلونه حق تلاوته اولئک یؤمنون به و من یکفر به فاولئک هم
الخاسرون (۱۲۱)* ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم
الكتاب و الحکمة و یزکیهم انک انت العزیز الحکیم (۱۲۹)* قولوا امنا باللّٰه و ما
انزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی
موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم لانفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون
(۱۳۶)* الذین اتیناهم الكتاب یعرفونه کما یعرفون ابناءهم و ان فریقا منهم
لیکتبون الحق و هم یعلمون (۱۴۶)* کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم
ایاتنا و یزکیکم و یعلمکم الكتاب و الحکمة و یعلمکم ما لم تكونوا تعلمون (۱۵۱)*
ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الكتاب
اولئک یلعنهم اللّٰه و یلعنهم اللاعنون (۱۵۹)* الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا
فاولئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم (۱۶۰)* و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل اللّٰه
قالوا بل نتبع ما الفینا علیه اباؤنا او لو کان اباؤهم لا یعقلون شیئا و لا یهتدون (۱۷۰)
* ان الذین یکتمون ما انزل اللّٰه من الكتاب و یشترون به ثمنا قليلا اولئک ما یأکلون
فی بطونهم الا النار و لا یکملهم اللّٰه یوم القیامه و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم (۱۷۴)

* اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم على النار (۱۷۵) * ذلك بان الله نزل الكتاب بالحق وان الذين اختلفوا فى الكتاب لفي شقاق بعيد (۱۷۶) * ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب ولكن البر من امن بالله واليوم الاخر والملائكة والكتاب والنبين واتى المال على حبه ذوى القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل والسائلين وفى الرقاب و اقام الصلوة و اتى الزكوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرين فى الباساء ضراء و حين البأس اولئك الذين صدقوا و اولئك هم المتقون (۱۷۷) * شهر رمضان الذى انزل فيه القرآن هدى للناس و بينات من الهدى والفرقان فمن شهد منكم الشهر فليصمه و من كان مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر يريد الله بكم اليسر و لا يريد بكم العسر و لتكملوا العدة و لتكبروا الله على ما هديكم و لعلكم تشكرون (۱۸۵) * كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جائتهم البينات بغيا بينهم فهدى الله الذين امنوا لما اختلفوا فيه من الحق باذنه و الله يهدى من يشاء الى صراط مستقيم (۲۱۳) * امن الرسول بما انزل اليه من ربه و المؤمنون كل امن بالله و ملائكته و كتبه و رسله لانفرق بين احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانك ربنا و اليك المصير (۲۸۴) *

همانطور که ملاحظه می شود مجموعه آیات منتخب از مسأله کتاب و هدایت در سوره بقره که از ابتدای سوره آغاز گردیده. مشتمل بر ۳۴ آیه می شود. مجموعه این آیات نشانگر خط سیر اصلی سوره بقره است که مطابق با شرایط زمان نزول نیز می باشد. به گونه ای که می توان جانمایی این مجموعه را در خطوط ذیل ترسیم نمود:

- ۱- قرآن کتاب هدایتگر بوده و برای اثبات الهی بودنش تحدی می نماید.
- ۲- دعوت بنی اسرائیل برای ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و سرزنش آنها نسبت به

عدم فرمانبرداری از دستورات تورات.

۳- قطع طمع مسلمانان به ایمان آوردن یهود و اشاره به دو گروه از یهود: یهودیان امی که از کتاب آسمانی خود چیزی نمی دانند و گروهی که به تحریف حقایق تورات دست آلوده می کنند.

۴- اشاره تاریخی به مخالفت بنی اسرائیل با انبیاء و حتی دشمنی کودکانه آنها با جبرائیل امین و خودمداری آنها و انکار عامدانه نشانه های پیامبر (ص) در تورات و انکار متقابل یهود و نصاری یکدیگر را.

۵- پاسخ به طعنه های یهود درباره فلسفه نسخ در قرآن کریم به خاطر تغییر قبله.

۶- اشاره به اهل کتاب مؤمن و صادق و یادآوری ریشه مشترک تاریخی ادیان یعنی وجود مقدس حضرت ابراهیم (ع) و خبر استجابت دعای آن حضرت درباره بعثت رسول اکرم (ص).

۷- بیان گناه کتمان آیات الهی و اینکه دین ذاتا وحدت بخش است و تفرقه ها به بغی و روحیه تجاوزطلبی مربوط است و نه به تعلیمات ادیان الهی.

۸- نیکی واقعی در اتصاف به ارزشهای الهی است و نه صورت خشک مناسک.

دین اسلام ذاتا آسانگیر است و نه سختگیرانه و خارج از تحمل انسان.

۹- و ایمان جامع و همه جانبه به خدا و به همه انبیاء و کتب و ملائکه و تسلیم اراده ذات احدیت بودن.

بنابراین پیام محوری سوره بقره عبارت است از:

ارائه حقانیت و استقلال و ناسخیت دین اسلام

نسبت به ادیان سالفه و دعوت به آن برای ایجاد تمدنی نوین.

دومین معیار در شناخت اهداف حاکم بر سور قرآنی

۲- تحلیل رستنگاه سوره‌ها (تحلیل شرایط زمانی و مکانی نزول سور قرآنی)

برای یافتن شخصیت سوره (که اعم از پیام اصلی می باشد) (میان پیام اصلی سوره و شخصیت سوره می بایست تفاوت فائل شد. پیام اصلی همان خط محوری است که در سراسر سوره به شکل متصل و منقطع حضور دارد و سنگینی باری که سوره به دوش می کشد، در غرض اصلی سوره نهفته است. ولی در زمان نزول سوره حوادث متعددی از قبیل جنگها، توطئه‌های منافقین، سنرالات و احتجاجها، و احکام مورد نیاز به وجود می آید که به صورتی طبیعی به مناسنهای حکیمانه‌ای در لابلای آیات سوره جای می گیرند؛ به گونه‌ای که موجب پراکنده گونی و بی ارتباطی سخن نگردد. مجموعه این موضوعات متعدد و متنوع، سیما و شخصیت سوره رابه صورت یک هیأت جمعی نمایش می دهد، ولی جزء پیام اصلی نبوده، بلکه جزء اقتضات زمان نزول سوره می باشند. ولی این سخن بدین معنی نمی باشد که هرچه جزء اقتضات زمان نزول سوره باشد ففرا حرء پیام اصلی نباشد. چه بسا حوادثی که دقیقاً مرتبط با غرض عام سوره اتفاق افتاده باشند و در سوره جای گرفته باشند. از این جهت، این دسته از موضوعات نیز به طور طبیعی جزء پیام اصلی سوره خواهند بود. بنابراین، این ایراد وارد نمی باشد که در تبیین پیام اصلی سوره چرا حای احکام و سایر موضوعات دیده نمی شود و یا صرف نظر می شود) می بایست با آگاهی و اشراف کامل از وقایع تاریخ نزول آیات سوره و موقعیت دشمنان و مخالفان و تحلیل جایگاه مسلمانان در آن شرایط خاص به بررسی محتوای سوره پرداخت. اما از آنجایی که محتوای تعالیم قرآن منجمد و محدود به شرایط نزول نمی باشد، لازم است از پوسته و قشر حوادث و افراد و مکانها بیرون آمد تا قادر شد محتوا و درسهای جاودانه سوره‌های قرآنی را فرا گرفت.

علامه طباطبایی در ابتدای برخی از سور به زمینه‌های تاریخی نزول سوره‌ها اشاراتی به اجمال دارد. برای نمونه در ابتدای تفسیر سوره آل عمران می نویسد: "..... این احتمال خیلی به ذهن می رسد که این سوره یکباره نازل شده باشد، زیرا دویست آیه آن ظهور روشنی در پیوستگی دارند، آیاتش از اول تا به آخر با هم متناسب است، و پیداست همه اغراض آن به هم مربوط است. و به همین جهت

این احتمال بر احتمالات دیگر ترجیح دارد که بگوئیم این سوره وقتی بر رسول خدا (ص) نازل شد که دعوت آن جناب تا حدودی پایگیر شده بود؛ زیرا در بین آیاتش سخن از جنگ احد و واقعه مباحله و نفرین کردن به نصارای نجران و یادی از کارهای یهود دیده می شود و هم تحریکی نسبت به مشرکین است، و نیز مسلمانان را به صبر دعوت می کند... و همه اینها مؤید این معنا است که سوره مورد بحث در روزگاری نازل شده که مسلمانان مبتلای به دفاع از حوزه دین بودند؛ دفاعی که برای آن همه قوا و ارکان خود را بسیج کرده بودند؛ از یک سو در اثر فتنه جوئیهای یهود و نصاری در داخل جمعیت خود با درگیریها و فتنه و آشوبها روبرو بودند، فتنه هائی که تشکل آنان را سست می کرد و باید برای خاموش کردن فتنه های آنان قسمت عمده ای از وقت خود را صرف احتجاج با آنها کنند، و از سوی دیگر با مشرکین درگیر بودند و باید با آنها بجنگند و همیشه در حال آماده جنگ باشند و لحظه ای امنیت نداشته باشند، چون در آن ایام اسلام رو به انتشار نهاده بود، و آوازه اش همه جا پیچیده بود و مردم دنیا چه یهود و چه مسیحی و چه مشرکین همه علیه اسلام قیام کرده بودند. از پشت سر این سه طائفه دو امپراطوری بزرگ آن روزگار یعنی روم و ایران و دیگران نیز چنگ و دندان نشان می دادند. (سید محمد حسین طباطبائی؛ تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۲)

در میان مفسرین، سید قطب صاحب تفسیر فی ظلال القرآن است که همت ویژه ای را مصروف این روش نموده، به گونه ای که در ابتدای هر سوره، قبل از آغاز تفسیر، شرح تفصیلی درباره مسائل تاریخی نزول ارائه می دهد و از این طریق، سیمائی متشکل و مرتبط از شخصیت سوره ارائه می نماید.

بررسی شخصیت سوره مائده از دیدگاه مطالعه تاریخی و نقدی بر آن
سید قطب پس از بیان نسبتا مشروح درباره محورهای مهم سوره بر اساس

تحلیل محتوای آیات سوره، به بیان شأن تاریخی آن می پردازد:

آیات سوره حمله افشاگرانه‌ای است نسبت به دشمنان این امت؛ به ویژه با تمرکز بر یهود و مشرکین؛ با اشارات به منافقین و نصاری در برخی اوقات تا ما را به نکات دیگری که این سوره به بررسی آن می پردازد، بکشاند.

این سوره به بررسی موقعیت حال زندگی امت مسلمان در مدینه امروزی می پردازد... همانگونه که به موقعیت تاریخی این امت در مقابل پایگاههای دشمنانش پرداخته است.... در بستر زمان این دشمنان همان دشمنان گذشته اند!

سؤال این است که در کدام دوره تاریخی از حیات جامعه مسلمان این سوره نازل شده است؟ در روایات بسیاری آمده که این سوره پس از سوره فتح نازل شده است.... و مشهور است که سوره فتح در سال ششم هجری در حدیبیه نازل شده است. و در برخی از روایات آمده که سوره مائده یکپارچه نازل شده جز آیه سوم آن، *الیوم اکملت لکم دینکم....*، که در حجة الوداع در سال دهم نازل شده است.

ولی مراجعه موضوعی به آیات سوره به همراه سیره نبوی نافی مفاد روایاتی است که می گوید این سوره به طور کامل بعد از سوره فتح نازل شده؛ به خصوص آنکه در این سوره از اتفاقات غزوه بدر آمده است. با اطمینان از اینکه ماجرای موسی (ع) و بنی اسرائیل در ورود به ارض مقدس تا پیش از غزوه بدر در سال دوم هجری در نزد مسلمانان شناخته شده بود و اشاره به این واقعه توسط سعد بن معاذ در روایت آمده و همچنین بر زبان مقداد بن عمرو که به رسول اکرم (ص) می گوید: ای رسول خدا ما همچون قوم موسی نیستیم که به آن حضرت گفتند: اذهب انت و ربک فقاتلا انا هاهنا قاعدون.... و لکن اذهب انت و ربک فقاتلا انا معکما متبعون.... اما تحقیق موضوعی در این سوره نشان می دهد که در هنگام نزول آیات مربوط به یهود، آنها در مدینه دارای قدرت و نفوذ بوده اند. و اقتضای حملات افشاگرانه سوره در جهت شناخت موضع و باطل نمودن دسائس آنها می باشد. در حالیکه این قوه و

نفوذ بعد از واقعه بنی قریظه به دنبال غزوه خندق روبه ضعف گذارد و حجاز از لوث وجود قبائل نیرومند سه گانه یهود یعنی بنی قینقاع و بنی نضیر و بنی قریظه پاک گشت. و پس از صلح حدیبیه دارای چنین جایگاهی از قدرت نبوده‌اند. و دوره صلح و ترک مخاصمه با آنها به سر آمده بود. بنابراین؛ این که آیه می فرماید: «ولاتزال تطلع علی خائنة منهم الا قليلا منهم فاعف عنهم واصفح...» ضرورتاً متعلق به دوره قبل است و همچنین آیاتی که دستور حکم کردن به آنها و یا رویگردانی از آنها را می دهد. و از این ملاحظات روشن می شود که قسمتهای آغازین سوره و برخی از قسمتهای آن که بعد از سوره فتح نازل شده، قسمتهایی از آن قبل از سوره فتح بوده، همانطوری که آیه اکمال بعد از آن نازل شده است. و بنابراین اقوال مقبولتر آخرین آیه نازل شده قرآن است. و طبق یکی از روایات تمام سوره یکپارچه نازل نشده است. همانطوری که در ابتدای سوره‌های بقره، آل عمران و نساء بیان شد قرآن انسان را در صحنه نبردی فرو می برد که در یک سوی آن جامعه مسلمان همراه با دشمنان این جامعه و دشمنان دینش و در صف مقدم آنها یهود و مشرکین و منافقین قرار دارند و در سوی دیگر بنیان اندیشه اسلامی در شخصیت مؤمنین که همراه با چگونگی اداره جامعه اسلامی به وسیله راهنمائیهای وحیانی و قانونگزاری می باشد. و این موضوعات مشترکاً در سوره‌های بقره، آل عمران، نساء و مائده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. منتهی هر سوره با توجه به شخصیتش و جو حاکم بر آن و شیوه خاص خودش به آنها پرداخته است. علامت بارز سوره مائده در پرداختن به این موضوعات، تشریح و تنیدی در بیان است؛ چه در احکام شرعی و چه در مبادی و رهنمودها که در سوره‌های دیگر به شکل متفاوتی طرح شده‌اند. ولی در این سوره با تنیدی و قاطعیت و با روشی دقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. " (سید قطب، فی ظلال

نقدی بر روش سید قطب در یافتن شخصیت سوره مائده

چندان جای شگفتی نیست که سید قطب در مقدمه تفسیر سوره‌ها، شرح نسبتاً کاملی از شرایط تاریخی نزول بدست می‌دهد ولی نوبت به سوره مائده که می‌رسد بیشتر متمایل می‌شود به تحلیل موضوعی و درونی سوره دست بزند تا شرح جایگاه تاریخی سوره مائده. به ویژه هنگامی که به آیه اکمال می‌رسد بدون ارائه هیچ سند روائی ادعا می‌کند این آیه باید آخرین آیه نازل شده در قرآن باشد!!!! تا کسی نداند که ماجرای حجة الوداع و نصب حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) با روایت متواتر نقل شده است. و اگر به تحلیل شرایط تاریخی پردازد ناچار خواهد بود مسأله آینده رهبری را بازگو نماید. آری، شرایط نزول تاریخی سوره مائده چنین است:

- تسلط مسلمانان بر پایتخت سابق شرک و کفر.

- خاضع گشتن بسیاری از قبائل دور و نزدیک، چه به خاطر اجبار و چه از روی

ایمان.

- ظهور فعالیت و تلاش مدعیان نبوت که با مشاهده پیدایش وحدت عربی و

سیاسی، در اندیشه کسب وسیع قدرت سیاسی برآمده بودند.

- پیدایش جریان اهل رده و داغ کردن تنور متنبیان بوسیله اعراب بادیه نشین.

- آخرین فعالیت‌های مخفی اهل کتاب و مشرکین شکست خورده در جهت درهم

شکستن نظام نوپایی دینی - حکومتی، حتی مسموم شدن پیامبر (ص) توسط یک

پیرزن یهودی، نمی‌تواند یک اقدام فردی و با احساسات شخصی صورت گرفته

باشد.

- کامل شدن بیان اعتقادات و احکام مورد نیاز برای برپائی یک جامعه اعتقادی

و نظام حکومتی.

- لزوم تعیین جانشینی برای رهبری پس از رحلت رسول اکرم (ص).

- ضرورت خوگرفتن روح سرکش عربی به اجرای قوانین و تمکین به لوازم زندگی مدنی و قوانین و مقررات زندگی اجتماعی .

به همین جهت است که در ابتدای سوره وفاداری به عقود و پیمانها از مؤمنین خواسته می شود و در آیات بعدی با بیان احکام حج، سلطه مسلمانان بر شبه جزیره را نمایش داده و خواستار اجرای عدالت به جای انتقامهای کور و غیر قانونی می شود. سپس ولایت حضرت علی (ع) را اعلام نموده و مهرپایانی بر ولایت غیر می زند و این از مهمترین پیمانهایی است که روح سرکش برخی از اعراب مسلمان آن را برنتابید. آنچنانکه بابیان میثاق برای رهبری بنی اسرائیل، عبرتهای تاریخی را در مقابل چشمان مسلمانان به نمایش می گذارد:

* و لقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیبا... (۱۲)*

در ابتدا با آیه اکمال و سپس با بیان آیات ولایت و تبلیغ، بر روی هم سه بار ولایت حضرت علی (ع) را در این سوره مطرح می نماید تا بیان کند بدون وفاداری به عقود و پیمانها، خیمه دین استوار نمی گردد. و این خط سیر تا انتهای سوره امتداد می یابد تا در آخرین فراز سوره، میثاق تعهد به رهبری الهی چنین نمود پیدا می کند:

* و اذ اوحیت الی الحوارین ان امنوا بی و برسولی قالوا امنا و اشهد باننا مسلمون (۱۱۱)*

آری، سید قطب چشم به روی همه این واقعیتها می بندد تا مبدا مصالح فرقه ای آسیب پذیرد و با بیان کامل تاریخ، خود تاریخ زبان بگشاید و ناگفته ها را بر سر و روی تعصب و حمیت فرو ریزد. آری، شخصیت اصلی سوره مائده عبارت است از: ایجاد روحیه انقیاد در برابر پیمانهای الهی و قراردادهای عمومی که لازمه اداره یک زندگی اجتماعی است، و یکی از محورهای اصلی آن مربوط به تمکین در برابر عقد و پیمان تعیین رهبری است که امت بی سرپرست نماند و تفرقه و تحریف و سلطنت حاکم نشود که شد. و مائده ولایت از کف امت ربوده شد. و تاریخ اسلام به

جای «هدایت امامت» متحمل «حاکمیت خلافت» شد و پس از آن اشرافیت قریش شکست خورده در زمان رسول خدا (ص) در جامه فاخر سلطنت اموی پدیدار گشت.

سومین معیار در شناخت اهداف حاکم بر سور قرآنی

۳- طلیعه و آیات آغازین سوره‌ها

از آنجا که هر گوینده‌ای سخن خود را در آغاز به اجمال معرفی می‌نماید و سپس در ادامه کلام خود به بسط و شرح آن مبادرت می‌ورزد لذا در کلام خداوند نیز آغاز سوره‌ها، کلیدهای بازکننده هویت سوره‌ها می‌باشند. آنچنانکه در ابتدای سوره نور خداوند از شخصیت این سوره پرده بر می‌دارد:

* سورة انزلناها و فرضناها و انزلنا فيها آیات بینات لعلکم تذكرون *

البته این نکته را باید بیان نمود که معیار سرآغازهای سور، معیاری اجمالی برای شناخت اهداف حاکم بر سور قرآنی می‌باشد و به عنوان شواهدی قوی در جهت شناخت کلی سوره‌ها کاربرد پیدا می‌کند.

گروه بندی سوره‌های قرآنی بر اساس سرآغاز آنها

هشت گروه را می‌توان بر اساس فواتح سور قرآنی تقسیم بندی نمود: (رجوع

شود به: هاشم هاشم زاده هریسی؛ شناخت سوره‌های قرآن؛ ج ۱ ص ۱۸)

۱- مقطعات ۲۹ سوره

۲- اقسام ۲۳ سوره

۳- مسبحات ۷ سوره

۴- حامدات ۵ سوره

۵- مخاطبات ۱۰ سوره

۶- زمانیه ۷سوره

۷- مقولات ۵سوره

۸- متفرقات ۲۸سوره

۱- سوره‌های مقطعات

نظریه علامه طباطبایی درباره سور با حروف مقطعه مشترک

معظم له در این باره می‌فرمایند:

"نکته‌ای که در اینجا نباید از آن غافل بود، این است که این حروف در چند سوره تکرار شده؛ یعنی در ۲۹ سوره حروف مقطعه آمده... اگر کمی در این سوره‌هایی که سرآغازش یکی است مانند سوره‌های (الف - لام - میم)، (الف - لام - راء) و سوره‌های (طا - سین)، و (حا - میم)، دقت کنی، خواهی دید سوره‌هایی که حرف مقطعه اول آنها یکی است، از نظر مضمون نیز به هم شباهت دارند، و سیاقشان یکی است؛ به طوری که شباهت بین آنها در سایر سوره‌ها دیده نمی‌شود.

مؤکد این معنا شباهتی است که در آیات اول بیشتر این سوره‌ها مشاهده می‌شود، مثلاً در سوره‌های (حامیم) آیه اول آن، یا عبارت (تلك آیات الكتاب) است، یا عبارتی دیگر که این معنا را می‌رساند. و نظیر آن آیه‌های اول سوره‌هایی است که با الف - لام - راء افتتاح شده که فرموده: (تلك آیات الكتاب) و یا عبارتی در همین معنا و نیز نظیر این در (طا - سین)‌ها شده، و یا سوره‌هایی که با (الف - لام - میم) آغاز گشته، که در بیشتر آنها نبودن ریب در این کتاب آمده، و یا عباراتی که همین معنا را می‌رساند. با در نظر گرفتن این شباهتها ممکن است آدمی حدس بزند، که بین این حروف و مضامین سوره‌ای که با این حروف آغاز شده ارتباط خاصی باشد. مؤید این حدس آن است که می‌بینیم سوره اعراف که با (الف لام میم صاد) آغاز شده،

مطالبی را که در سوره‌های (الف لام میم) و سوره (ص) هست در خود جمع کرده، و نیز می‌بینیم سوره رعد که با حروف (الف لام میم راء) افتتاح شده، مطالب هر دو قسم سوره‌های (الف لام میم) و (الف لام راء) را دارد.

از اینجا استفاده می‌شود که این حروف رموزی هستند بین خدای تعالی و پیامبرش صلوات الله علیه؛ رموزی که از ما پنهان شده و فهم عادی ما راهی به آن ندارد، مگر به همین مقدار که حدس بزنیم بین این حروف و مضامینی که در سوره‌های هر یک آمده ارتباط خاصی هست. (سید محمد حسین طباطبائی؛ پیشین، ج ۱۸، ص ۲) برای اینکه شاهد مثالی از آنچه علامه (رحمه الله علیه) بیان کرده بیاوریم نگاهی اجمالی به سه سوره اعراف و مریم و ص می‌اندازیم:

"در حروف مقطعه این سه سوره حرف ص حضور مشترک دارد: (المص - کهیعص - ص)... اگر خواسته باشیم فصل مشترکی برای سه سوره به دست آوریم، مهمتر از هر چیز به نظر می‌رسد جریان رسالت انبیاء باشد که موضوع اصلی هر سه سوره را تشکیل می‌دهد به طوری که در سوره اعراف نام ۷ تن از پیامبران (نوح، هود، صالح، لوط، شعیب، مرسی و هارون) و در سوره مریم نام ۵ تن (زکریا، یحیی، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، اسماعیل، ادریس، هارون) و در سوره ص نام ۹ تن (داود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، ادریس، هارون) و در سوره ص نام ۹ تن (داود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع، ذالکفل) از آنان و رسالتشان ذکر گشته است... نکته مشترک دیگری که در ابتدای هر سه سوره به چشم می‌خورد، کلمه ذکر می‌باشد.

سوره اعراف: * المص * کتاب انزل الیک فلا یکن فی صدرک حرج منه لتندربه و ذکری للمؤمنین * اتبعوا ما انزل الیکم..... قلیلا ماتذکرون *
سوره مریم: * کهیعص * ذکر رحمت ربک عبده زکریا *
سوره ص: * ص والقرآن ذی الذکر *

مشتقات کلمه ذکر مجموعاً ۳۶ بار در این سه سوره به کار رفته است: (۱۶ بار در سوره اعراف، ۱۳ بار در سوره ص و ۷ بار در سوره مریم) که وفور کاربرد آنرا در این مجموعه نشان می‌دهد. بسیاری از این موارد مستقیماً در رابطه با رسولان قرار دارد. (سوره مریم؛ آیات: ۴۱-۵۱-۵۴-۵۶؛ سوره ص؛ آیات: ۱۷-۴۱-۴۵-۴۸؛ سوره اعراف؛ آیات: ۶۹-۷۴-۸۶-۱۷)

به این ترتیب پی می‌بریم که رابطه‌ای میان رسالت انبیاء الهی و کلمه ذکر که قرآن را دارای آن دانسته (ص و القرآن ذی الذکر) و برای مؤمنین مفیدش خواننده (کتاب انزل الیک.... لتذریه و ذکرى للمؤمنین)، وجود داشته باشد. اکنون برای اینکه رابطه حرف ص را، که در هر سه سوره به کار رفته، با رسالت انبیاء توصیف شده در این سوره‌ها پیدا کنیم، باید ببینیم کدام ویژگی از انبیاء فوق الذکر «تذکر» (توجه به تکرار کلمه «واذکر» در سوره‌های مریم و ص) داده شده است که با حرف ص ارتباط دارد؟ با بررسی ساده‌ای می‌بینیم اتفاقاً همه جا صفاتی که از انبیاء توصیف شده با حرف ص ترکیب شده است. ذیلاً این موارد را در سه سوره بررسی می‌کنیم:

* سوره مریم

آیه ۴۱: * واذکر فی الكتاب ابراهیم انه کان صدیقاً نبیا. * (صداقت)

آیه ۵۱: * واذکر فی الكتاب موسی انه کان مخلصاً وکان رسولاً نبیا. * (اخلاص)

آیه ۵۴: * واذکر فی الكتاب اسمعیل انه کان صادق الوعد وکان رسولاً نبیا. *

(صداقت)

آیه ۵۶: * واذکر فی الكتاب ادریس انه کان صدیقاً نبیا. * (صداقت)

آیه ۵۰: * و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیا. * (صداقت)

نه تنها از جهت مثبت، بلکه از جهت منفی نیز صفات آنها با حرف ص ارتباط دارد. مانند:

آیه ۱۴: و برا بوالدیه و لم یکن جباراً عصیا. (عدم عصیان)

از صفات دیگری که از انبیاء نام برده و در سوره مریم می‌توانیم مشاهده کنیم، توصیه آنها به صلوة است که با حرف ص نوشته می‌شود:

آیه ۳۱:.....واوصانی بالصلوة و الزکوة مادمت حیا (صلوة)
 آیه ۵۵: وکان یأمر اهله بالصلوة و کان عند ربه مرضیا (صلوة)

به این ترتیب می‌توان گفت در سوره مریم از صداقت، اخلاص و صلوة ۷ پیامبر نام برده است.

* سوره اعراف

درباره نوح (ع): * ابلغکم رسالات ربی و انصح لکم.....(۶۲) * «نصیحت»
 درباره هود: (ع) * ابلغکم رسالات ربی و انی لکم ناصح امین. (۶۸) * نصیحت
 درباره صالح: (ع) * فتولی عنهم و قال یا قوم لقد ابلغتکم رسالات ربی و نصحت لکم فکیف آسی علی قوم کافرین (۹۳) * (نصیحت)

به این ترتیب تبلیغ رسالتهای الهی و نصیحت و خیر خواهی برای مردم، عمده‌ترین صفتی است که از انبیاء چهارگانه فوق در سوره اعراف نقل شده است (وصفت دیگری نیز از انبیاء فوق در سوره اعراف ذکر نگردیده است).

* سوره ص

آیه ۴۴: * (واذکر عبدنا ایوب).....انا وجدناه صابرا نعم العبد و انه اواب. *
 (صبر)

آیه ۴۵: * واذکر عبادنا ابراهیم و اسحق و یعقوب اولی الایدی و الابصار. *
 (بصیرت)

آیات ۴۶ و ۴۷: * انا اخلصناهم بخالصة ذکری الدار. * (خلوص)

و انهم عندنا لمن المصطفین الاخیار. * (صفا - اصطفاء)

در مورد سه پیامبر نام برده در آیه ۴۸ (واذکر اسماعیل و الیسع و ذالکفل و کل من الاخیار) گرچه منحصرأً به تعلق آنها به سلسله اخیار (نیکان) اکتفاء شده و صفتی

که مشتمل بر حرف ص باشد از آنها ذکر نگردیده ولی همانند حضرت داود (ع) صبر این پیامبران را می توان از آیات دیگر قرآن دریافت نمود. این مطلب را به روشنی می توانیم در آیه ۸۵ سوره انبیاء مشاهده نماییم:

* و اسمعیل و ادریس و ذالکفل کل من الصابرين *

اتفاقا این آیه که با جمله «کل من الصالحین» ختم می شود، به دنبال داستان نوح و داود و سلیمان و ایوب و اسمعیل و ذالکفل به عنوان جمع بندی بیان شده است که صفت صبر را برای انبیاء فوق، که اتفاقا نام همه آنها در سوره ص تکرار شده است، تعمیم می دهد. به این ترتیب می توان گفت مشخصه اصلی ۷ تن از ۱۰ پیامبری که نامشان در سوره ص آمده است (نوح - داود - سلیمان - ایوب - اسمعیل - الیسع - ذالکفل) صبر و مشخصه ۳ تن دیگر (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) با توجه به آیات ۴۵ تا ۴۷ سوره یس بصیرت، خلوص و صفا می باشد.

اینک با توجه به مطالب فوق درباره رسولان و «ذکر» صفات آنها شاید بتوان گفت که مقصود از حرف ص در حروف مقطعه سوره های اعراف، مریم و ص «صفت» رسولان می باشد که عمدتاً با حرف ص به شرح ذیل بیان شده است:

۱- صداقت درباره: ابراهیم، اسمعیل، ادریس، اسحاق و یعقوب

۲- صفا و خلوص درباره: موسی، ابراهیم، اسحاق و یعقوب

۳- (اهل) صلوة درباره: عیسی، اسمعیل و سلیمان

۴- نصیحت درباره: نوح، هود، صالح و شعیب

۵- صبر درباره: داود، ایوب، اسمعیل، ادریس، ذالکفل، نوح و سلیمان

۶- بصیرت درباره: ابراهیم، اسحاق و یعقوب

ذکر این مطلب نیز قابل توجه و بررسی است که پنج کلمه صبر، صراط، صالحات، ابصار، اخلاص، در هر سه سوره مشترکاً به کار رفته است که محورهای مرتبط این سه سوره را نشان می دهد. (برای توضیحات کاملتر مطالب این بخش مراجعه شود به:

عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن (جلد ۴)؛ ج ۲؛ ص ۲۶۹.

۲- سوره‌های اقسام

بیست و سه سوره از صد و چهارده سوره قرآن با سوگند آغاز می‌شوند. جمله سوگند معمولاً از دو قسمت تشکیل می‌شود؛ قسمت نخست عبارتست از: موضوعی که مورد سوگند واقع می‌شود (مقسم به) و قسمت دوم، موضوعی است که برای تأکید آن سوگند یاد می‌شود (مقسم له) که به آن جواب قسم می‌گویند و در بیشتر موارد محذوف می‌باشد. سوگند برای گواهی صحت و تحقق حتمی مقسم له به کار می‌رود و در کلام خداوند نیز سوگند به همین جهت به کار رفته است. بانگاهی ولو اجمالی به سوره‌های اقسام در قرآن متوجه می‌شویم که میان محوراصلی این سوره‌ها با سوگندها و جواب سوگندها در آغاز سوره‌ها ارتباط تنگاتنگی برقرار است. به عنوان نمونه به سوره یس اشاره می‌کنیم:

* یس * والقرآن الحکیم * انک لمن المرسلین * علی صراط المستقیم *
تنزیل العزیز الحکیم * لتندر قوما ما انذر آبائهم فهم غافلون * لقد حق القول علی
اکثرهم فهم لایؤمنون *

و هنگامی که در مقاطع مختلف سوره تأمل می‌شود، موضوع رسالت و رسول به عنوان محور سوره مشاهده می‌شود:

* انک لمن المرسلین * انما تنذر من اتبع الذکر * و اضرب لهم مثلاً اصحاب
القریه اذ جاءها المرسلون * فقالوا انا الیکم مرسلون * انا الیکم لمرسلون * یا قوم
اتبعوا المرسلین * یا حسرة علی العباد ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستهزئون * و
ما علمناه الشعر و ما ینبغی له * فلا یحزنک قولهم انا نعلم ما یسرون و ما یعلنون *
و اگر استطراداً سخن از معاد و آیات قدرت خداوند می‌رود، در اثبات تکیه گاه
رسالت انبیاء که همان قدرت و عدالت الهی است، می‌باشد. و اینکه تحقق
و عده‌های انبیاء مستظهر به قدرت الهی است و سرنوشت تکذیب کنندگان مرسلین

در دنیا و معاد رقم خواهد خورد.

۳- سوره‌های مسبحات

منظور از مسبحات، سوره‌هایی است که در آغاز آنها تسبیح و تنزیه خداوند آمده است. تسبیح به معنای تنزیه و تقدیس خداوند است. و در واقع خداوند را از هر نوع کاستی و زشتی مبرا داشتن است. و محور اصلی سور مسبحات نیز دقیقاً تسبیح حضرت حق و مواردی است که در آن سوره شائبه‌گرد ضعف و نقصان را به دامان کبریائی حضرت حق می‌نشانند. و اینکه تنزیه فقط شایسته ذاتی است که در عظمت و کبریائی بی همتا است. و بی جهت نیست که در چهار سوره مسبحات، در اولین آیه، دو صفت حکیم و عزیز آمده است. عزیز به معنای قدرتمندی است که منزله از شکست است و حکیم به معنای کسی است که کارش دارای اتقان است و منزله از بیهودگی و بطلان در قول و فعل است.

تعداد سوره‌های مسبحات ۷ سوره می‌باشد که عبارتند از: اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی، که در این مجال به بررسی اجمالی سوره حدید می‌پردازیم:

سوره حدید (سوره ۵۷): که آیه آغازین آن چنین است:

* سبح لله ما فی السموات و ما فی الارض و هو العزيز الحكيم *

"غرض این سوره تحریک و تشویق مؤمنین در راه خداست؛ همچنانکه تکرار امر صریح به این معنا در خلال آیاتش، اشعار به آن دارد..... و چون تشویق و تحریک مردم به انفاق، و اینکه انفاق قرض دادن به خدا است، این توهم را ایجاد می‌کرد که مگر خدا به مال محتاج است، لذا از همان آغاز سخن یعنی اولین کلمه سوره مسأله نزاهت خدا از احتیاج را خاطر نشان نموده، و فرموده: آنچه در زمین و آسمانهاست خدا را تسبیح می‌گویند، و نیز عده‌ای از اسماء حسناى خدا را که رساننده این نزاهت است ذکر کرد، و همه سوره‌هاییکه با تسبیح خدا آغاز شده، یعنی اولین کلمه

سوره مسأله نزاهت خدا از احتیاج را خاطر نشان نموده، فرموده: آنچه که در زمین و آسمانها است خدا را تسبیح می‌گویند. و نیز عده‌ای از اسماء حسناى خدا را که رساننده این نزاهت است ذکر کرد، و همه سوره هائیکه با تسبیح خدا آغاز شده، یعنی سوره حشر، صف، جمعه و تغابن که بعضی با کلمه (سبح) و بعضی دیگر با کلمه (یسبح) آغاز شده‌اند، نظیر سوره مورد بحث می‌باشند. " (سید محمد حسین طباطبائی؛ المیزان، ج ۹ ص ۱۶۳)

۴- سوره‌های حامدات

سرآغاز پنج سوره از سوره‌های قرآنی، الحمد لله می‌باشد که در اصطلاح به آنها حامدات می‌گویند. آیا میان این سرآغازهای مشابه با غرض اصلی این سوره‌ها رابطه‌ای وجود دارد؟ پاسخ این سؤال مثبت است؛ زیرا محور اصلی این سور پنجگانه، یا اثبات توحید و یا اصول عقاید است. هر پنج سوره حامدات (فاتحه، انعام، کهف، سبأ و فاطر) مکی می‌باشند، و طبیعی است احتجاج با مشرکین بر سر توحید و اصول عقاید دینی از مهمترین ارکان سور مکی باشد. جهت رعایت اختصار به بیان یک نمونه بسنده می‌شود:

سوره انعام (سوره ۶)

سر آغاز این سوره شریفه این چنین است:

الحمد لله الذى خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذين كفروا
بربهم يعدلون * هو الذى خلقكم من طين ثم قضى اجلا و اجل مسمى عنده ثم انتم
تمترون * و هو الله فى السموات و فى الارض يعلم سرکم و جهرکم و يعلم ما
تکسبون *

بیشتر آیات این سوره به صورت احتجاج بر علیه مشرکین و مخالفین توحید و نبوت و معاد است و به شکل استطراد مشتمل بر اجمالی از وظایف شرعیه و محرمات دینی است. علامه طباطبائی نیز در ابتدای تفسیر این سوره غرض اصلی

آنرا توحید خدای تعالی معرفی می نمایند. (سید محمد حسین طباطبائی؛ ج ۷ ص ۲)

تکرار ۴۴ بار فعل امر «قل» در مقام احتجاج و ابطال عقاید مشرکین و اثبات و بیان اعتقادات حقه است و به این شکل در میان سوره‌های قرآن به آن جایگاه ممتاز و مشخصی بخشیده است. و علاوه بر آن شمار کثیری از آیات سوره است که با ضمیر (هو) در وصف خداوند آغاز می شود، که از این نظر و با این شکل بیان، تأکیدات مکرر بر توحید و ابعاد گوناگون آن را ترسیم می نماید: (آیات ۳- ۱۸- ۶۰- ۶۱- ۷۳- ۹۷- ۹۸- ۹۹- ۱۴۱)

و واپسین آیه سوره نیز با همین بیان عرضه می شود:

* وهو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما آتیکم.... (۱۶۵) *

نکته قابل ذکر آن است که علیرغم تشابه در غرض اصلی اینگونه سوره‌ها، نحوه ورود و خروج در بحث در هر سوره متفاوت از دیگری بوده و هر کدام از زاویه و نگرش و طرز بیان خاص خود به آن مسائل پرداخته‌اند.

به علت الزام در اختصار، از بیان سور زمانیه؛ مخاطبات و مقولات صرف نظر می شود.

چهارمین معیار شناخت اهداف حاکم بر سور قرآنی

۴- تکرار پی در پی و تناوبی مفهوم و موضوعی خاص در سراسر سوره

در این نوع نگرش به سور قرآنی، کمیت توزیع موضوعات مطرح شده در یک سوره مدنظر است به گونه‌ای که شناور بودن یک موضوع خاص در اندام سوره، ملاک اهمیت طرح آن در آن سوره قرار گیرد. حال اگر موضوعی خاص در یک سوره، نسبت به موضوعات دیگر در همان سوره از درجه بالاتری در توزیع اندام و ابعاض سوره برخوردار باشد، نشاندهنده آن است که آن موضوع، همان غرض

اصلی سوره است. مسلماً کمیت طرح غرض اصلی در هر سوره نسبت به سایر سوره متفاوت است به گونه‌ای که می‌توان این اختلاف را در ابعاد ذیل در نظر گرفت:

۱- سوره‌هایی که تماماً به غرض اصلی خود پرداخته؛ به گونه‌ای که مطالب استطرادی یا در آن وجود ندارد و یا بسیار اندک می‌باشد. البته تعداد اینگونه سوره در قرآن کریم اندک است. سوره نسبتاً بزرگ از این دست، سوره حضرت یوسف (ع) است که از ۱۱۱ آیه آن حدود ۱۰۲ آیه مستقیماً به زندگانی آن حضرت اختصاص دارد و از این جهت در مقایسه با سایر سوره قرآنی سیمائی ممتاز یافته است. و سوره نسبتاً کوتاه نیز همچون نوح (ع)، جن، واقعه، نبأ، الرحمن، قیامة، حاقه، منافقین و تعداد چشمگیری از قصار السوره در این دسته جای می‌گیرند. در سوره مکی، تکیه عمده بر حول مباحث ذیل است:

* طرح و استدلال بر اعتقادات و اصول دین همچون توحید و نبوت و معاد

** احتجاج با مشرکین

*** تسلیت دادن به پیامبر از طرق مختلف (مانند نقل ماجراهای اقوام و انبیاء

سالفه و دلگرمی به وعده‌های الهی در به ثمر نشان دادن مجاهدتهای مؤمنین و

شکست و نابودی منکرین) *پایان جامع علوم انسانی*

**** انذار مخالفین و منکرین

بیشترین حجم این سوره‌ها به صورت نسبتاً یکپارچه به این مسائل اختصاص

دارد.

۲- سوره‌های طولانی و متوسط از نظر کمیت به نسبت‌های گوناگون در گروه دوم

جای می‌گیرند. در اینگونه از سوره‌ها تنوع و گستردگی طرح مطالب و موضوعات

کاملاً مشهود است؛ به خصوص در سوره‌های مدنی که عموماً آکنده از احکام و

قوانین نظام اجتماعی و حکومتی می‌باشند. بنابراین استطرادهای متناوب و

متعددی را در این دسته از سوره شاهد هستیم. ولی با وجود این همه تنوع، شاهد

وجود یک موضوع طرح شده متناوب در سراسر اندام این سوره‌ها می‌باشیم که نمایانگر خط اصلی و محور مرکزی آن می‌باشد. ولی سایر مطالب طرح شده از کمیت توزیعی کمتر و حتی در سطح موضعی و در حد یکبار برخورداری می‌باشند. به همین جهت است که در سوره‌ای چون بقره، مسأله کتابهای آسمانی و قرآن و اهداء انسانها به آنها (به شرط داشتن تقوا) و یا عناد و عدم اهداء به آنها، از گسترده‌ترین سطح توزیعی در بخشهای مختلف سوره برخورداری می‌باشد و در نتیجه جمع بندی مطالب این گروه از آیات، غرض اصلی به تفصیل منکشف می‌شود؛ همان غرضی که در بحث «اولین معیار شناخت اهداف حاکم بر سور قرآنی» از آن سخن گفتیم. به عنوان نمونه در مورد سوره‌ای چون توبه، مسائل گسترده و متنوعی در آن مطرح است. مانند:

- بیزاری و اعلام برائت از کفار

- قتال با مشرکین و اهل کتاب و بیان انحرافات اهل کتاب از توحید و اصول دین

و تحریفات آنها

- افشای منافقین و بیان خیانت‌های آنان

- تحریک مسلمانان به قتال و کسانیکه از قتال تخلف می‌ورزند.

- آیاتی مربوط به دوستی و ولایت کفار

و همچنین احکام سوره نیز عبارت است از:

حرمت حج مشرکین و لزوم جلوگیری از ورود آنها به مسجد الحرام، نجس بودن

مشرکین، وجوب قطع ارتباط با مشرکین و اعلان برائت و نفرت از آنان، احکام زکات

و صدقات و جزیه و ماههای حرام و امان دادن به مشرکین و سایر احکام مربوط به

مشرکین.

ولی با این وجود، بخش عظیمی از سوره، مربوط به قتال با کفار و آیات مربوط به

منافقین است. زیرا از نظر زمانی این سوره هنگامی نازل شد که آخرین مواضع

مشرکین درهم شکسته بود و لذا ضرورت برخورد از موضع قدرت در جهت ممانعت از تجدید قوا و عرض اندام مجدد آنها ضروری می نمود. از این رو مسأله قطع رابطه با آنها و الغای قراردادها و پیمانهای که مکرر از سوی آنها نقض شده، در سوره توبه مطرح می شود و از آنجا که ظهور قدرت و نفوذ منافقین در هنگام حاکمیت نظام اسلامی است و ارتباطهای سری آنها با مشرکین و برخی از اهل کتاب توطئه گر و جاسوسی آنها از معضلات اجتماع مسلمین است، بخش مهم دیگر سوره درباره این گروه می باشد. از این رو به انحرافات اهل کتاب عنایتی شده و اخذ جزیه که نشانه حاکمیت و قدرت نظام سیاسی است، در این سوره مطرح می شود و واقعه تبوک را که خطر عظیم مسیحیان و لشکرکشی آنها بر علیه ارکان نظام اسلامی است، مطرح می نماید. و در مجموع مطالب فراوانی درباره اهمیت جهاد و سرزنش گریزندگان از آن بیان می شود که همگی حول غرض اصلی سوره می باشد که همان آسیب شناسی و آفت زدایی نظام تازه استقرار یافته اسلامی است؛ نظامی که برای حفظ و بقای آن نیازمند جهاد و قتال و تعیین خطوط جداکننده دوستان و دشمنان است. دشمنان رنگارنگ از مشرکین زخم خورده و منافقین دوست نما و اهل کتابی که شاهد نسخ دین خود و اوج گرفتن دین جدید است و دشمنان خارجی که کمر همت بر نابودی حاکمیت نوین اسلامی بسته اند.

پنجمین معیار شناخت اهداف حاکم بر سور قرآنی

۵- آیات ابتدائی و انتهائی سوره ها

در بسیاری از سوره های قرآن کریم ارتباط و تناسب خاصی میان آیات آغازین و انتهائی برقرار است. از آنجا که غرض اصلی سوره ها نیز عموماً در آیات ابتدائی آن به شکل اجمالی مطرح می شود، آیات پایانی سوره ها نیز عموماً در تناسب با آیات افتتاحیه، سوره را به پایان می رسانند. بنابراین با تأمل در ابتداء و انتهای بسیاری

از سوره‌ها می‌توان اجمالا غرض اصلی آنها را شناسائی نمود و سپس با کمک سیاق آیات سوره، با وضوح افزونتری به کشف پیام سوره نائل شد. البته باید توجه داشت در برخی از سور، آیات افتتاحیه در حکم مقدمه برای غرض اصلی سوره می‌باشند. مانند سوره‌های قصص، فاطر، دخان، محمد (ص) و طور. و در سوری مانند روم و نجم آیات اولیه سوره، بخشی از غرض کلی سوره را تشکیل می‌دهند.

علامه طباطبائی معتقد است که "در سوره‌های دارای غرض واحد به گونه‌ای است که غرضی را که اوائل سوره در نظر دارد، اواخر آن نیز همان غرض رامی رساند." (همان، ج ۹ ص ۱۴۹) صاحب تفسیر المیزان در موارد فراوانی، از این قاعده برای بیان غرض اصلی سوره‌ها استفاده می‌نمایند، و فقط در مورد سوره‌هایی نظیر توبه که به اعتقاد ایشان دارای غرض واحدی نمی‌باشند، این قاعده را استثناء کرده‌اند. (همان، ج ۹ ص ۱۴۹)

به عنوان نمونه در مورد غرض اصلی سوره رعد در ابتدای تفسیر سوره می‌فرمایند:

"غرض این سوره بیان حقیقت قرآنی است که بر رسول خدا (ص) نازل شده، و اینکه این قرآن معجزه و آیت رسالت است، و اینکه کفار آنرا آیت و معجزه نشمرده و به عنوان تعریض بر آن گفتند: چرا آیتی از ناحیه پروردگارش نازل نشد، گفتاری مردود است و رسول خدا (ص) نباید به آن اعتنا کند و آنها نیز سزاوار نیست که چنین سخنی بگویند.

دلیل بر این معنا، آیه آغازین سوره است که می‌فرماید:

* المر تلک آیات الکتاب و الذی انزل الیک من ربک الحق و لکن اکثر الناس

لا یؤمنون *

و آیه آخر سوره است که می‌فرماید:

* و یقول الذین کفروا لست مرسل اقل کفی باللّه شهیدا بینی و بینکم و من عنده

علم الكتاب (۴۳) * (همان، ج ۱۱ ص ۳۱۱)

یا درباره غرض اصلی سوره هود در ابتدای تفسیر آن می فرمایند که تمام حقایق و معارف قرآنی مبتنی و متکی بر حقیقت اعتقاد به یگانگی خداوند است و در واقع این اعتقاد اساس و بنیان تمام تعالیم و آموزه های قرآنی و انبیاء می باشد. حال با نگاهی به آیات ابتدائی و انتهائی سوره هود این غرض قابل استنباط است:

* الر کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر (۱) * الاتعبدوا الا الله

اننی لکم منه نذیر و بشیر (۲) *

* ولله غیب السموات و الارض و الیه یرجع الامر کله فاعبده و توکل علیه و ما

ربک بغافل عما تعلمون (۱۲۳) * (همان، ج ۱۰ ص ۱۳۸)

ششمین معیار شناخت اهداف حاکم بر سور قرآنی

۶- نسبت تکرار کلمات در هر سوره

تاکید فراوان در به کارگیری واژه و یا اصطلاح خاص در هر متنی، نشانگر اهمیت و نقش کلیدی آن کلمه و یا اصطلاح در آن متن است. قرآن کریم نیز شیوه تکرار و تأکید را در بسیاری از سوره ها به کار برده است که می توان از طریق آماری میانگین استفاده از آن واژه و یا اصطلاح خاص را در مقایسه با سایر سوره ها به دست آورد. این طریقه آماری می تواند در یافتن کلمات کلیدی سوره ها و در نتیجه، کشف محور و پیام اصلی سوره ها به کار گرفته شود. در این زمینه تحقیقات اندکی صورت گرفته که سعی می شود چکیده آنها از نظر محاسبات آماری در این نوشتار عرضه شود. (درباره تحقیقات آماری در این نوشتار از کتاب نظم قرآن تألیف آقای عبدالعلی بازرگان (پیشین) استفاده شده. جهت مطالعات تفصیلی مراجعه شود به: ج ۱ ص ۱۰

و (۱۱)

کاربرد تکرارها در مجموعه‌ها

مجموعه سوره‌های ۴۷ الی ۴۹ (سوره‌های محمد (ص)، فتح، حجرات) دارای مضمون و سیاق مشترک می‌باشند و مخاطب اصلی آنها شخص رسول اکرم (ص) می‌باشد. به گونه‌ای که از مجموع تکرار ۴ باره نام محمد (ص) در قرآن، ۳ مورد آن در این مجموعه قرار دارد. و به همین ترتیب مشاهده می‌شود در هر سه سوره اطاعت از رسول خدا (ص) و انضباط در برابر فرامین آن حضرت و رعایت احترام و ارزش مقام نبوت و احتراز از مخالفت با او امر ایشان مورد تأکید قرار گرفته است. و مسأله جنگ و صلح نیز از محورهای مشترک هر سه سوره می‌باشد.

و یا در مورد اسماء حضرت حق، به عنوان مثال مشاهده می‌کنیم که ۱۰ سوره دنبال هم (سوره های ۵۷ تا ۶۶ که عبارتند از: حدید، مجادله، حشر، ممتحنه، صف، جمعه، منافقون، تغابن، طلاق و تحریم، در این سوره‌ها در ازای هر ۱۲ تا ۱۸ کلمه یک بار نام الله تکرار شده است) از نظر تعداد نسبی کاربرد نام الله، در مقایسه با بقیه سوره های قرآن مراتب بالاتری دارند، و نشاندهنده آن است که موضوع الوهیت از محورهای اصلی این سوره‌ها می‌باشد. و یا کثرت نام رب در برخی از سوره‌ها نشان می‌دهد موضوع ربوبیت در این سوره‌ها بیشتر مورد توجه می‌باشد. به علت اختصار، از بحث تکرار کلمات در سوره‌ها صرف نظر می‌شود.

نتیجه:

درک بنیادین از سوره‌های قرآنی، هنگامی میسر خواهد شد که علاوه بر نگرش تفریدی و جزء نگرانه به آیات، درکی کل گرایانه و مجموعه نگر از پیکره سوره‌ها حاصل شود. این فهم جامع، مشروط به معیارهایی می‌باشد که از رهگذر به کارگیری آنها، درکی روشن از غرض نهائی و محور اصلی هر سوره به دست آید. از همین روی نگارنده در نوشتار حاضر در صدد ارائه چنین معیارهایی به همراه بیان

نمونه‌های کاربردی می‌باشد. آنچه که در شناسائی این معیارها مفید افتاده، درک خصایص کتابشناسی قرآن کریم و ویژگیهای تألیفی این کتاب آسمانی بوده است. به هر حال ثمره نهائی این گونه پژوهشها، زدودن انگاره‌های پریشان نگر به مجموعه آیات سوره‌ها و جانشین‌سازی تفسیری انتظام‌گرا و کشف لطایف و حکمت‌های نهفته در ارتباط با موضوعات متنوع و به ظاهر بی ارتباط در سوره‌ها می‌باشد. و آماج این نوع تلاش علمی، دریافت پیام اصلی سور قرآنی می‌باشد.

منابع:

- ۱- عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن (۴ جلد)، چاپ دوم، تهران، انتشارات قلم ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۲- بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۳- جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، مترجم سید مهدی حائری قزوینی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ه.ش.
- ۴- سید قطب، فی ظلال القرآن، چاپ دهم، بیروت، دارالشروق، ۱۴۰۲ ه.ق.
- ۵- سید محمد حسین طباطبائی؛ تفسیر المیزان، چاپ سوم تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه.ق (۲۰ جلدی). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۶- قرآن کریم.
- ۷- محمد رازی فخرالدین، تفسیر الفخر الرازی، مشهور به تفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، شماره چاپ؟ بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۸- محمد محمود حجازی، الواحده الموضوعیه فی القرآن الکریم؛ شماره چاپ؟ قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۳۹۰ ه.ق.
- ۹- هاشم هاشم زاده هریسی، شناخت سوره‌های قرآن، چاپ دوم، قم، نشر رامین، پائیز ۷۴.